

## آسیب‌شناسی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی (از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷)

زهرا قربانی‌پور<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله پژوهش‌های فردوسی‌شناسی (از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷) در سه بخش توسعه‌ای، بنیادی و کاربردی از رویکرد آسیب‌شناسی مورد واکاوی قرار گرفته است. فردوسی تنها شاعر حماسی ایران است که همواره محور عمده بسیاری از پژوهش‌های ادبی قرار گرفته است و قرن‌هاست که درباره شاهنامه آثار ذوقی، فکری و تحلیلی نوشته می‌شود؛ قسمت عمده این پژوهش‌ها در قرن معاصر انجام شده است و منتقدان شاهنامه را از ابعاد گوناگون زبان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاست، روان‌شناختی و ... بررسی کرده‌اند؛ این مقاله بر آن است تا به آسیب‌شناسی این پژوهش‌ها بپردازد. روش پژوهش کمی و کیفی است. دستاوردهای این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین آسیب‌ها و نقص‌های تألیفات فردوسی‌شناسی، عبارت است از: ۱- عدم توجه به تمام نسخه‌ها. ۲- عدم توجه به پیشینه تحقیقات. ۳- عدم توجه به جزئیات. ۴- تقلیدگرایی و انتقادگریزی. ۵- رویکردهای تکرار گرایانه. ۶- اصالت رویکردهای درون‌متن گرایانه. ۷- اهداف تقلیل‌گرایانه. ۸- رویکردهای یکسونگرانه. ۹- عدم رعایت موازین علمی. ۱۰- اطلاعات‌مداری به جای تحلیل‌مداری.

**کلیدواژه‌ها:** فردوسی، شاهنامه، آسیب‌شناسی کمی، آسیب‌شناسی کیفی.

۱- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. zghorbanipour@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۵

## مقدمه

فردوسی طوسی بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران زمین است و به دلیل اقبال گسترده‌ای که در این سال‌ها نسبت به شاهنامه و فردوسی صورت گرفته است، لازم است با توجه به گستردگی موضوع، این تحقیقات طبقه‌بندی و تحلیل شوند تا کمیت و کیفیت آنها مشخص گردد. تمام تحقیقات علمی، علاوه بر ویژگی‌های مثبت، در برخی موارد دارای نقص‌ها و خلل‌هایی هستند؛ این مسئله در میان پژوهش‌های فردوسی‌شناسی نیز دیده می‌شود. در نخستین بررسی‌ها آشکار می‌شود آنچه نویسندگان، از اندیشه‌های نهفته در داستان‌های شاهنامه برشمارده‌اند، کامل و بی‌کم و کاست نیست و بی‌شک اگر پژوهندگان آنها را از نو مورد توجه قرار دهند پژوهش‌هایی منسجم‌تر و دقیق‌تر انجام خواهد یافت.

صاحب‌نظران در پژوهش کمی که بر اساس مکتب اثبات‌گرایی<sup>۱</sup> استوار است، علاقه‌مند به تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی هستند تا قابلیت تحلیل‌های آماری را داشته باشد، اما پژوهش کیفی که بر مکتب پسااثبات‌گرایی<sup>۲</sup> بنا شده است و از روش‌شناسی تفسیری پیروی می‌کند، توصیفی است که در آن محقق به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد. (ازکیا، ۱۳۸۲، ۲۹۵ و ۲۹۶) بنابراین منظور از آسیب‌شناسی کمی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی، آسیب‌شناسی در حوزه‌ی صوری است؛ به‌دیگرسخن در این بخش، پژوهش‌ها از دیدگاه کمیت، عناوین بررسی شده‌اند و منظور از پژوهش‌های کیفی فردوسی‌شناسی، توصیف و تحلیل دیدگاه‌های پژوهشگران است. در یک نگاه، این مقاله پژوهش‌های فردوسی‌شناسی (توسعه‌ای، بنیادی و کاربردی) را طی دو بخش از رویکرد کمی و کیفی مورد آسیب‌شناسی قرار داده است. در گروه بنیادی، نویسندگان به تبیین و تحلیل مسائل در شاهنامه پرداخته‌اند، در گروه کاربردی، زمینه‌های پژوهش را درباره شاهنامه و فردوسی، به‌طریق علمی - پژوهشی، فراهم آورده‌اند و در گروه توسعه‌ای، پژوهش‌های دیگران

---

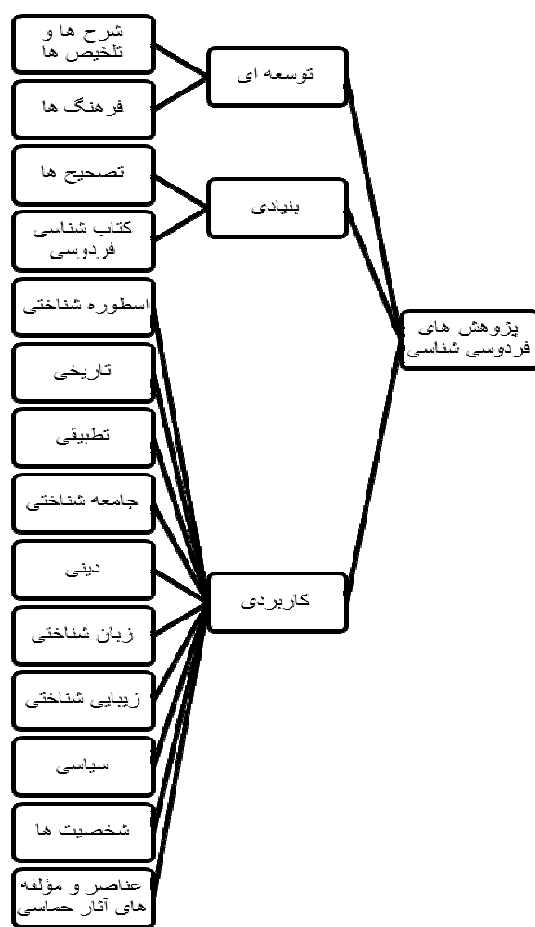
۱- Positivism

۲- Post positivism

## آسیب‌شناسی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی..... ۹۳۱۱۱

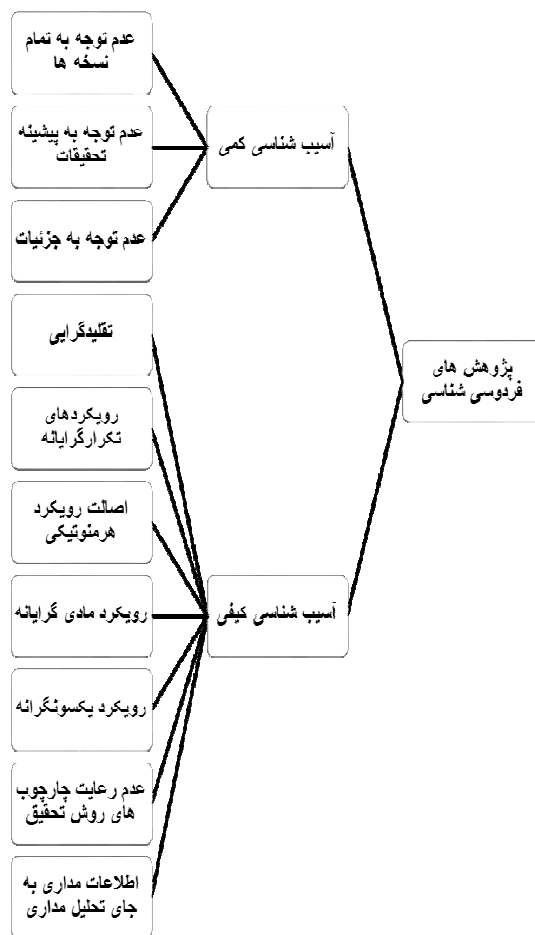
را درباره فردوسی و شاهنامه، در ابعاد مورد نظر، توسعه بخشیده‌اند. این مقاله در پاسخ به این سؤال تدوین شده است که مهم‌ترین آسیب‌های پژوهش‌های فردوسی‌شناسی (از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷) کدام‌اند؟

### پژوهش‌های فردوسی‌شناسی در سه بخش توسعه‌ای، بنیادی و کاربردی<sup>۱</sup>



۱- البته بخشی از پژوهش‌های فردوسی‌شناسی بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌هایی است که بر اساس داستان‌های شاهنامه انجام شده است و چون رویکرد پژوهشی در آنها بسیار ضعیف است از حیطه این بررسی خارج شده است.

## آسیب شناسی پژوهش های فردوسی شناسی در دو بخش کمی و کیفی



در این پژوهش آسیب شناسی پژوهش های فردوسی شناسی و شاهنامه همان طور که در نمودار آمده است، در دو محور انجام شده است؛ بخش کمی که به بررسی تعداد آثار منتشر

## آسیب‌شناسی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی، ..... ۹۵۱۱۱

شده در هر زمینه پرداخته است، تا از نظر کمی مشخص شود که رویکرد قالب چه بوده است و آسیب‌شناسی کیفی که به بررسی موضوعی پژوهش‌ها در این میدانگاه پرداخته است.

### **۱- آسیب‌شناسی کمی**

در آسیب‌شناسی کمی مواردی از قبیل: تعداد آثار، عناوین و حجم اثر بررسی شده است؛ برای مثال از مجموع ۸۰۶ عنوان کتاب موجود در سه بخش توسعه‌ای، بنیادی و کاربردی<sup>۱</sup>، در رویکرد شرح‌ها و تلخیص‌ها، ۱۰۶ اثر و در رویکرد سیاسی ۴ اثر نگاشته شده است.<sup>۲</sup> این آمار نشان‌دهنده آن است که برخلاف آنچه پنداشته می‌شود، هنوز برخی ابعاد شاهنامه‌آسان که باید مورد بررسی و کنکاش قرار نگرفته است. پس از بررسی آماری و تحلیل کتاب‌شناسی فردوسی مشخص گردید، مهم‌ترین آسیب‌ها در این بخش عبارت‌اند از:

#### **۱-۱- عدم توجه به تمام نسخه‌ها**

مصححان برای آنکه متنی منقح و نزدیک‌تر به متن اصلی در اختیار سایر پژوهشگران قرار دهند، می‌توانند در پیشبرد تحقیقات ادبی سهم مهمی داشته باشند؛ اما چون اغلب و یا برخی نسخه‌های شاهنامه را برای تصحیح برگزیده‌اند و سایر نسخه‌ها را در حاشیه معرفی نکرده‌اند و یا حتی نامی از آنها نبرده‌اند؛ بنابراین تصحیح آنها از نظر علمی بی‌اعتبار است؛ برای مثال حسین محمدزاده‌صدیق به درستی توضیح نداده که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار داده و یا کدام متن‌ها را برتر دانسته است.

#### **۱-۲- عدم توجه به پیشینه تحقیقات**

پژوهش در خصوص برخی از مسائل شاهنامه به‌طور مطلق کیفی نیست و ضعف‌هایی دارد و تیزبینی و دقت نظر پژوهندگان را می‌طلبد؛ برای مثال با وجود تألیفات متعدد، همچنان برخی از حوزه‌های مکانی و زمانی شاهنامه مبهم هستند. این مسئله حاکی از آن است که پژوهشگران در

۱- از تعداد ۸۰۶ عنوان اثر، ۳۱۰ عنوان آن در رویکرد بازنویسی و بازآفرینی قرار گرفته است.

۲- تمام آثاری که درباره فردوسی و شاهنامه نگاشته شده است، در کتابی با نام کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه اثر نویسنده مقاله طبقه‌بندی، بررسی، توصیف و تحلیل شده است.

رویکرد جغرافیایی و تاریخی شاهنامه پیشینه بحث‌ها را مورد توجه قرار نداده‌اند؛ یکی از اصول مهم پژوهش و قدم نخست آن پیشینه‌شناسی است به این معنا که پژوهشگر باید نگاه‌های پیشین را به دقت بکاود و آنگاه پژوهش خود را به گونه‌ای انجام دهد که یا تکمیل‌کننده مباحث پیشین باشد و یا اصلاح‌کننده آنها، چه، از این راه است که پژوهش‌ها سیر تکاملی پویایی را می‌پیمایند.

از این نگاه، دو عامل عمده و اساسی بر پیکره این آسیب‌شناسی حاکم است: الف) پژوهش‌ها دارای همان اطلاعات پیشین است. ب) بر روی آنها تلاش علمی آن‌سان که باید صورت نگرفته است؛ بنابراین بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق تاکنون کامل‌ترین پژوهش‌ها در رویکرد تاریخی، رویکرد دینی، رویکرد زیبایی‌شناختی، رویکرد عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی، تصحیح‌های شاهنامه، شرح‌ها و تلخیص‌ها و فرهنگ‌ها صورت گرفته است. اما ابهامات ابعاد جغرافیایی و زبان‌شناختی همچنان باقی است؛ برای مثال پژوهش در جغرافیای اساطیری ایران و شناخت مناطقی که بسیاری از رویدادهای حماسی در آن مکان‌ها شکل گرفته‌اند، تنها در دو اثر پژوهشی: شاهنامه (در باب ری، پهنه تهران، البرز، مازندران طبرستان، مازندران مغرب و مازندران مشرق در شاهنامه) اثر حسین کریمان و ایران بزرگ (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی) اثر امید عطایی فرد، مورد بررسی قرار گرفته است؛ همچنین در رویکرد زبان‌شناسی تنها کتاب محمود شفیع‌ی ازهریث کامل و جامع است.

### ۱-۳- عدم توجه به جزئیات

با توجه به اینکه می‌توان پژوهش‌های فردوسی‌شناسی را از نظر ذکر مطالب به دو بخش کلی و جزئی تقسیم کرد، بنابراین پژوهش‌هایی که به یک بخش از دو بخش توجه کرده‌اند دچار آسیب کمی‌اند، چه، به هر دو دیدگاه کلی و جزئی توجه نکرده‌اند. از این دیدگاه پژوهش‌های انجام شده در زمینه کتاب‌شناسی فردوسی، نشان می‌دهد که اکثر مؤلفان به خصوص در تبویب

## آسیب‌شناسی پرورش های فردوسی‌شناسی ..... ۹۷۱۱۱

و فصل‌بندی مطالب و شیوه بیان بیشتر از آثار یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند؛ برای مثال در بخش شرح‌ها و تلخیص‌ها رویکرد نویسندگان نسبت به کلیات مباحث مانند تهیه انواع گزیده از داستان‌های شاهنامه فردوسی معطوف است؛ گزیده‌هایی چون داستان رستم و اسفندیار، داستان رستم و سهراب که با عناوین فرعی (به همراه توضیحات) بسیار مختصر و ساده و تنها با هدف به چاپ رساندن اثری نگاشته شده‌اند، سبب گشته تا از یک سو با کمبود یافته‌ها و رویکردها در مسائل جزئی‌تر و از دیگر سو با بیشتر شدن کمیت کتاب‌ها در این زمینه تا برتری کیفیت آنها مواجه شویم.

### ۲- آسیب‌شناسی کیفی

در آسیب‌شناسی کیفی مواردی از قبیل: روش تحقیق، اهداف تحقیق، رعایت موازین علمی بررسی شده است. پس از بررسی کیفی کتاب‌شناسی فردوسی مشخص گردید که مهم‌ترین آسیب‌ها در این بخش عبارت‌اند از:

#### ۲-۱- تقلیدگرایی

اکثر نویسندگان در آثار خود به جای ورود در مسائل تحلیلی، نقد، طرح نظریات و فرضیات بدیع و گشودن دیدگاه‌های تازه در ابعاد گوناگون، به تکرار و تقلید سخنان سایر نویسندگان بسنده کرده‌اند؛ برای مثال در رویکرد تاریخی و رویکرد تحلیل شخصیت‌ها این امر بیشتر دیده می‌شود. در رویکرد تاریخی، اکثر مطالب ارائه شده در کتاب‌ها از روی کتاب «آیین‌ها در شاهنامه» اثر محمدآبادی باوایل نگاشته شده است؛ همچنین در رویکرد شخصیت‌ها، کتاب‌های شخصیت‌ها در شاهنامه، اثر سیدعبدالعلی عظیمی<sup>۱</sup> و یا کتاب شکوه شاهنامه در آیین تریبیت و اخلاق پهلوانان (با فهرستی از صفات نقش آفرینان دوره پهلوانی) اثر پرویز البرز<sup>۲</sup>. گفتنی است باتوجه به آثار منتشر شده در بعد زنان در شاهنامه هم هنوز نکته‌های ناگفته بسیاری درباره زنان

۱- ضمن اینکه یکی از منابع غنی برای شناخت شخصیت‌های شاهنامه است.

۲- در حکم یک فرهنگ جامع به معرفی صفات اخلاقی و تربیتی شخصیت‌ها (دوره پهلوانی) پرداخته است؛ اما بدون دیدگاه‌های نوآورانه است و درحقیقت تنها اطلاعات مربوط به شخصیت‌های شاهنامه در کنار هم قرار گرفته است.

در شاهنامه وجود دارد ولی پژوهندگان تنها به بررسی پیرامون جنبه‌های عاشقانه داستان‌های شاهنامه و یا صرفاً به معرفی و توصیف زنان در شاهنامه پرداخته‌اند و از نکته‌های غامض و پنهان<sup>۱</sup> غفلت ورزیده‌اند؛ برای مثال در دو کتاب زنان شاهنامه اثر جمال‌الدین حائری و گلرخان‌سیه‌چشم اثر مهین بانو صنیع فقط به نقل داستان‌های زنان شاهنامه بسنده شده و اغلب کتاب‌های موجود در این زمینه یا جزء منابع فرعی است و یا مطالب ارائه‌شده در آنها تکراری است و بی‌هیچ موشکافی‌ای به شتاب از موضوع اصلی گذشته‌اند و یا هنگامی که سخن از داستان‌هایی چون رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، پادشاهی ضحاک و پادشاهی کیکاووس به میان می‌آید بسیاری از پژوهندگان، فردوسی و شاهنامه او را در بحث‌های شفاهی، به‌خوبی به چالش می‌کشند؛ اما همین نویسندگان زمانی که قلم به دست می‌گیرند تا در اثر خویش همان ابعاد و جنبه‌ها را پروراند، تبدیل به یک تقلیدگرای محض می‌شوند و سخنان بزرگان زبان و ادبیات فارسی را تکرار می‌کنند؛ از این رو داستان‌های شاهنامه، نگرشی تازه‌تر و جامع‌تر را در هر زمان می‌طلبد؛ همچنین امروزه در تمام دنیا آثار علمی را با ابزارهای نقد ادبی بادقت تمام بررسی می‌کنند؛ اما با تأمل در کتاب‌شناسی فردوسی مشخص شد این کار در ایران هنوز جای خود را آن‌گونه که باید باز نکرده است و لذا می‌توان گفت: پژوهشگران برای آنکه مورد انتقاد دیگران واقع نشوند از بیان مطالب و نظرات شفاهی خودداری ورزیده‌اند. جای بسی شگفتی است که در ایران به دلیل انتقادگریزی، اکثر نویسندگانی که در حوزه شاهنامه گام برمی‌دارند، از مطرح کردن مسائل و مباحثی که در کتب سائرین بدان پرداخته نشده و یا از نظر دور مانده، خودداری می‌کنند. به همین سبب تعداد تألیفاتی که در آن پژوهشگر توانسته غبار نظریه‌های بی‌اساس را از چهره‌ی فردوسی و شاهنامه‌ی او بزدايد، اندک است. این مسئله آسیب‌شدیدی را به نام تقلید و انتقادگریزی بر پیکره اغلب پژوهش‌های فردوسی‌شناسی در ایران وارد آورده

۱- برای مثال با استفاده از علم روان‌شناسی و روش بین‌رشته‌ای می‌توان لایه‌های زیرین شخصیت‌های شاهنامه را به‌خوبی شناخت.



## آسیب‌شناسی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی، ..... ۹۹۱۱۱

است؛ بنابراین تقلید‌گرایی و گریز از نگاه انتقادی سایر پژوهندگان این عرصه و به چاپ رساندن اثر از مهم‌ترین زمینه‌های به وجود آمدن این آسیب‌ها است.

### **۲-۲- رویکردهای تکرارگرایانه**

فراوانی شواهد و توضیح‌های مشترک در خصوص بسیاری از عناوین (زندگی و اوضاع اجتماعی فردوسی، مقایسه شاهنامه با ایلید و اودیسه، انواع شرح بر داستان‌های شاهنامه و...) نشان می‌دهد که نویسندگان تقریباً به بررسی موضوع‌های یکسان علاقه دارند تا مسائلی که همچنان در پشت پرده غبار آلود ابهام مانده است و این امر سبب افزایش کمیت آثار گشته تا برتری کیفیت آنها؛ درحالی‌که موضوعاتی نظیر تحلیل رویکردهای گوناگون شخصیت‌های مهم شاهنامه (کاووس، نوذر، سودابه، تهمینه و افراسیاب) و زمینه‌ها و علت اصلی عملکردهای آنان در بطن داستان‌ها، هنوز آنسان که باید مورد توجه قرار نگرفته است<sup>۱</sup> و یا تاکنون تعداد کمی از نویسندگان به پژوهش‌های زبان‌شناختی و جغرافیایی داستان‌های شاهنامه علاقه نشان داده‌اند؛ بنابراین پژوهش‌های انجام شده در این حوزه‌ها اندک و ناچیز است؛ همچنین در خصوص اسطوره‌ شیر، گاو، اسب و... که بخشی از اسطوره‌های ایران باستان را تشکیل می‌دهند تحقیقی جامع در دست نیست. در وادی عرفان بررسی کامل شخصیت‌هایی چون ایرج، سیاوش، کیخسرو، مورد توجه قرار نگرفته است.

### **۲-۳- اصالت رویکرد هرمنوتیکی (درون‌متن‌گرایانه)**

در تمام رشته‌های علوم انسانی، دیدگاه‌های برون‌متنی مثل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و... مورد توجه است و نویسندگان در این راستا آثار بسیاری تألیف کرده‌اند، اما متون ادبیات فارسی، در عین حال که تبیین‌کننده مبانی فرهنگ ایرانی در ابعاد مختلف است، از دیدگاه تحلیل‌گفتمانی (برون‌متن‌گرایانه) (مریم صادقی گیوی، ۱۳۹۰، ۸۴-۸۶) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در زمینه فردوسی و شاهنامه نیز تعداد این آثار بسیار اندک است؛ برای

---

۱- گفتنی است تاکنون مقالاتی در این زمینه به چاپ رسیده است، اما همچنان جای تألیفات در این حوزه، بسیار خالی است.

مثال در رویکرد تحلیل سیاسی، تحلیل شخصیت‌ها و تحلیل جامعه‌شناختی شاید به دلیل انتقادگریزی، نویسندگان به طرح دیدگاه‌های برون‌متنی و منتقدانه پرداخته‌اند. به‌دیگرسخن منتقدان عوامل به وجودآورنده اندیشه‌های سیاسی فردوسی و مبانی آن را بررسی نکرده‌اند و ازسوی‌دیگر ساختار سیاسی جامعه ایرانشهری و آرمان‌شاهی را که ارکان و مبانی اصلی اندیشه‌های سیاسی شاهنامه است، بررسی نکرده‌اند و تنها به تفسیر سطحی آنچه که خود فردوسی بیان کرده پرداخته‌اند.

#### ۲-۴- رویکرد مادی‌گرایانه

برخی از نویسندگان به اهداف مادی‌گرایانه، در تألیف آثار خود نظر داشته‌اند و به نیاز مخاطبان و پاسخ‌گویی به ابهامات موجود و رایج در اذهان توجه نکرده‌اند. در نتیجه آثار آنها در اندک مدتی نگاشته و به چاپ رسیده است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به کثرت آثار، آیا می‌توان از تمام آنها برای انجام تحقیقات اصیل ادبی (تصحیح، انواع تحلیل بر داستان‌های شاهنامه و...) سود جست؟ آیا این پژوهش‌ها توانسته‌اند تاکنون، نیازهای خواننده امروز را پاسخ دهند؟ و یا در واقع چند درصد از این آثار می‌توانند دامنه بحث‌های ارائه‌شده پیرامون فردوسی و شاهنامه را آن‌گونه که شایسته است، پروراند و به ابهام‌زدایی پاره‌ای مسائل کمک کرده راهکارهای معتبری را فراروی علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهند؟

در مجموع باید گفت: آثاری که با هدف‌های بهره‌ورانه به چاپ رسیده‌اند نمی‌توانند مبنایی برای پژوهش‌های بعدی به حساب بیایند و اینکه برخلاف آنچه بزرگان می‌انگارند که دیگر شاهنامه پژوهی بس است! یافته‌های ارائه‌شده در آثار فردوسی‌شناسی کافی و متناسب با نیاز امروز خوانندگان نیست و به بررسی‌های عمیق‌تر نیاز دارد. در این سال‌ها آثار بسیاری در زمینه‌های گوناگون از فردوسی و شاهنامه روانه بازار شده، اما پاسخ‌گوی نیاز دانش‌پژوهان نیست. البته در حوزه فرهنگ‌ها، مطالب ارائه‌شده تمام نیاز خوانندگان را برای دسترسی سریع و راحت به معنای لغات و ترکیبات برآورده کرده است.

## ۲-۵- رویکردهای یکسونگرانه

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فردوسی‌شناسی یکسونگری محققان ارجمند است؛ بسیاری از محققان آن گونه که باید ابعاد گوناگون را در پژوهش‌های خود در نظر نگرفته‌اند؛ برای مثال نویسندگان در بخش تحلیل دینی عموماً دیدگاه خود را در مورد شخصیت‌ها و حوادث با تحلیل‌های دینی بیان کرده‌اند و از پرداختن به سایر جنبه‌ها غفلت ورزیده‌اند و بیان کرده‌اند که یکی از دلایل ماندگاری شاهنامه تا روزگار ما دین‌گرایی او بوده و فردوسی در حقیقت برای بیان اندیشه‌های دینی شاهنامه را سروده و در راستای این هدف از جذابیت‌های ملی و تاریخی ایران تنها به عنوان یک ابزار سود جسته است مانند کتاب قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی اثر مجید رستنده و بوسه بر خاک پی حیدر (ع) اثر علی ابوالحسنی منذر؛ بنابراین نویسندگان از تبیین ابعاد فرهنگ‌مدارانه و حفظ ارزش‌ها و فرهنگ ایران باستان که بی‌شک یکی از اهداف مهم فردوسی (هم‌ردیف اهداف دینی) بوده است غفلت ورزیده‌اند و این امر عاملی برای یکسونگری پژوهش‌ها شده است. علت اصلی این امر همان‌طور که پیشتر بیان شد، عدم پیشینه‌شناسی و تفکیک گفته‌ها و ناگفته‌ها است.

## ۲-۶- عدم رعایت چارچوب‌های روش تحقیق

اگر پژوهشگران پژوهش‌ها و بررسی‌های خود را بر اساس موازین علمی استوار کنند، پژوهش‌ها ماندگاری و پایایی بیشتری خواهد داشت؛ برای مثال اگر نویسنده‌ای در رویکرد زبان‌شناسی و یا رویکرد سیاسی به پیشینه تحقیق خود واقف باشد و دیدگاه‌ها و نظریه‌های ارائه‌شده را نقد و تحلیل کند، سپس دیدگاه‌های گوناگون خود را بر اساس نظریه‌های مطرح شده لغوی و سیاسی مطرح سازد، بی‌شک اثر او از کیفیت‌های علمی بیشتری برخوردار خواهد بود. رعایت موازین علمی می‌تواند چراغ راه پژوهشگران برای رسیدن به حقایق علمی باشد البته در صورتی که درست انجام شود، موجب انتشار آثار پربارتر نیز می‌گردد که همچنین می‌تواند یکی از راه‌های دستیابی به فهم عمیق شاهکارهای گرانقدر از جمله شاهنامه باشد؛ اگر

نویسندگان خود را به رعایت موازین علمی مانند ارجاعات درست و مستند، طبقه‌بندی منابع به اصلی و فرعی، تبیین مبانی نظری پژوهش پایبند ندانند و در تحلیل‌ها به روش‌های علمی گردآوری داده‌ها و طبقه‌بندی آنها توجه نداشته باشند، پژوهش آنها پراکنده، منفصل و فاقد اصول علمی خواهد بود و در نتیجه اعتبار چندانی نخواهد داشت. گفتنی است مطالب ارائه‌شده در اکثر آثار مربوط به حوزه‌های پژوهش‌های بنیادی در این جرگه قرار می‌گیرند، چه، بیشتر سطحی، غیرروشمند<sup>۱</sup> و بهره‌نگرفته از اکثر منابع موجود و در نتیجه فاقد موازین علمی است.

## ۲-۷- اطلاعات‌مداری به جای تحلیل‌مداری

معمولاً پژوهش‌ها به سه گروه بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای تقسیم می‌شوند: در گروه دوم باید علاوه بر ارائه اطلاعات، تحلیل نیز انجام شود تا با توجه به آنها به تحلیل اطلاعات پردازند. یکی از آسیب‌های پژوهش‌های فردوسی‌شناسی این است که رویکرد نخست هدف اصلی تلقی شده و در نتیجه این آثار نتوانسته‌اند مبنای پژوهش‌های دیگر قرار بگیرند. به‌دیگرسخن، اکثر نویسندگان برای بیان اطلاعات، صرف اصالت قائل شده‌اند، درحالی‌که اطلاعات مبنای کار تحلیلی است به‌ویژه شاهنامه که باید از طریق تحلیل و تبیین شخصیت‌ها و دیدگاه‌های فردوسی بیشتر شناخته شود؛ برای مثال اکثر کتاب‌هایی که در رویکرد شرح‌ها، رویکرد تحلیل

---

۱- سنت تحقیقات حاکم بر رشته‌های علوم انسانی به تبعیت از اصول حاکم بر علوم طبیعی بیشتر از نوع کمی است و پژوهشگران این رشته‌ها نیز معمولاً با فرضیه‌ای از پیش تعیین شده وارد عرصه پژوهش می‌شوند تا با شیوه‌هایی خاص آنها را اندازه‌گیری کنند؛ اما در دهه‌های اخیر روش پژوهش کیفی در تحقیقات علوم انسانی مورد توجه جدی قرار گرفته است. در این روش برخلاف روش کمی، هدف علم رسیدن به قوانینی ثابت نیست و پژوهشگر قصد ندارد تا با تعمیم یافته‌های خود، به قوانین جهان شمول برسد، بلکه هدف او توصیف و فهم پدیده‌ها و درنهایت رسیدن به الگوها به جای قوانین است. (جوکار و سامانی، ۱۳۷۸، ۳۴-۴۲) در پژوهش کیفی، مجموعه‌ای از روش‌ها، فنون و ابزارها؛ مانند تجربه شخصی، درون‌نگری، شرح حال، روایت، فرآورده‌های فرهنگی و انواع متون مبتنی بر مشاهده، متون تاریخی، متون تعاملی و بصری بهره می‌گیرد و گستره وسیعی از روش‌های تأویل و تحلیل‌های تفسیری را دربرمی‌گیرد. در واقع به قول ریچاردسون، پژوهش کیفی تلاشی است برای درک و شناخت یک پدیده از جهات و زاویه‌های مختلف و درگیر شدن در فرآیندی شبیه متبلور کردن پدیده مورد بررسی. (رها دوست، ۱۳۸۳، ۲۵۰)

## آسیب‌شناسی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی..... ۱۰۳۱۱۱

تاریخی، تحلیل دینی و تحلیل شخصیت‌ها قرار گرفته‌اند در این گروه جای می‌گیرند؛ بنابراین لازمه پخته‌تر شدن آثار در این میدانگاه، اصالت تحلیل است نه اصالت اطلاعات.

### نتایج مقاله

از مجموع آنچه گذشت می‌توان نتیجه‌هایی به قرار زیر به دست آورد:

۱- مجموعه آسیب‌های فردوسی‌شناسی را می‌توان در سه بخش توسعه‌ای<sup>۱</sup>، بنیادی، کاربردی گنجانند.

۲- آسیب‌ها و خلل‌های پژوهش‌ها در دو بخش آسیب‌شناسی کمی و آسیب‌شناسی کیفی قابل تقسیم است.

۳- منظور از آسیب‌شناسی کمی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی، آسیب‌شناسی در حوزه‌ی صوری است؛ به بیانی دیگر در این بخش، پژوهش‌ها از دیدگاه کمیت، عناوین و ... بررسی شده‌اند و منظور از پژوهش‌های کیفی فردوسی‌شناسی، توصیف و تحلیل دیدگاه‌های پژوهشگران در آثار تألیف شده است.

۴- روش تحقیق ویژه تحقیقات ادبی اصیل از نوع کیفی است، زیرا هدف از آنها توصیف و فهم پدیده‌های ادبی است، نه اندازه‌گیری و مواجهه کمی با آن.

۵- مهم‌ترین آسیب‌ها در بخش کمی عبارت‌اند از:

۵-۱- معتبر نبودن اغلب تصحیح‌های شاهنامه، به دلیل عدم ذکر نسخه‌های مورد استفاده در حاشیه تصحیح.

---

۱- در این مقاله پژوهش‌های توسعه‌ای به دو بخش شرح‌ها و فرهنگ‌ها تقسیم شده است.

۲-۵- کمیت‌گرایی نویسندگان و به دنبال آن عدم توجه به پیشینه تحقیقات، عدم استفاده از منابع کافی و آوردن مباحث غیر مرتبط با موضوع، عدم روشمندی تحقیقات، از مهم‌ترین آسیب‌ها در این زمینه محسوب می‌شود.

۳-۵- یکی از دلایل اصلی پشت پرده مه‌آلود ابهام قرار گرفتن پاره‌ای مسائل در میان داستان‌های شاهنامه تنها هدف بسیاری از نویسندگان، یعنی به چاپ رساندن اثر است.

۴-۵- در زمینه شرح‌ها و فرهنگ‌نویسی‌ها که دستاورد علمی خاصی را ارائه نمی‌دهند همه‌گونه کار و کوششی انجام شده، اما اطلاعات ارائه‌شده در برخی دیگر از ابعاد شاهنامه (رویکرد جغرافیایی و رویکرد زبان‌شناختی، رویکرد اسطوره‌شناختی، رویکرد تطبیقی، رویکرد شخصیت‌ها، رویکرد جامعه‌شناختی و رویکرد سیاسی)، همچنان نگرشی تازه را می‌طلبد.

۶- مهم‌ترین آسیب‌ها در بخش کیفی عبارت‌اند از:

۱-۶- برای ساختن و محکم کردن بیش از پیش مبانی علمی شاهنامه باید به جای تقلیدگرایی و عدم نوآوری، نگاه پژوهشگران به مسائل جزئی داستان‌های شاهنامه معطوف شود، چه، این امر می‌تواند در فرآیند تولید و نوآوری بسیار مؤثر باشد.

۲-۶- هنگامی که در کشورهای غربی و پیشرفته هدف از تحقیقات کشف افق‌های تازه و افزایش آنها است، در ایران نویسندگان به دلیل انتقادگریزی، تقلیدگرا می‌شوند.

۳-۶- به دلیل تکرار عناوین، با افزایش کمیت کتاب‌ها در این زمینه روبه‌رور هستیم تا برتری کیفیت آنها.

۴-۶- عدم طرح دیدگاه‌های منتقدانه سبب شده که اکنون ما با انبوهی از سؤال‌های بی‌جواب روبه‌رو باشیم. همین فقدان آسیب‌های جدی را بر پیکره آثار فردوسی‌شناسی وارد کرده است.

۵-۶- کمیت‌گرایی و اهداف بهره‌ورانه برخی از نویسندگان سبب گشته تا روزبه‌روز بر شمار تألیفات فردوسی‌شناسی افزوده شود؛ بنابراین امروزه تحقیقات در این میدان‌نگاه نیازمند نگاهی

### آسیب‌شناسی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی..... ۱۰۵۱۱۱

روشمندانند، نگاهی که به وسیله آن بتوان لایه‌های زیرین داستان‌های شاهنامه را کاوید و در طی آن به ابهام‌زدایی نکات تاریک آنها کمک کرد.

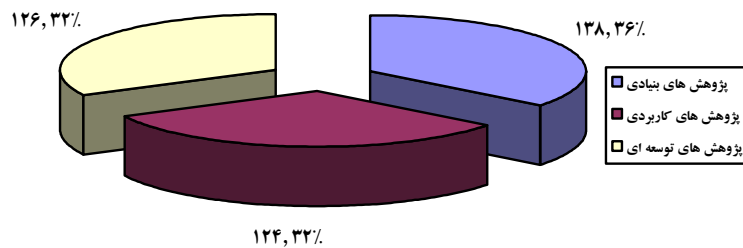
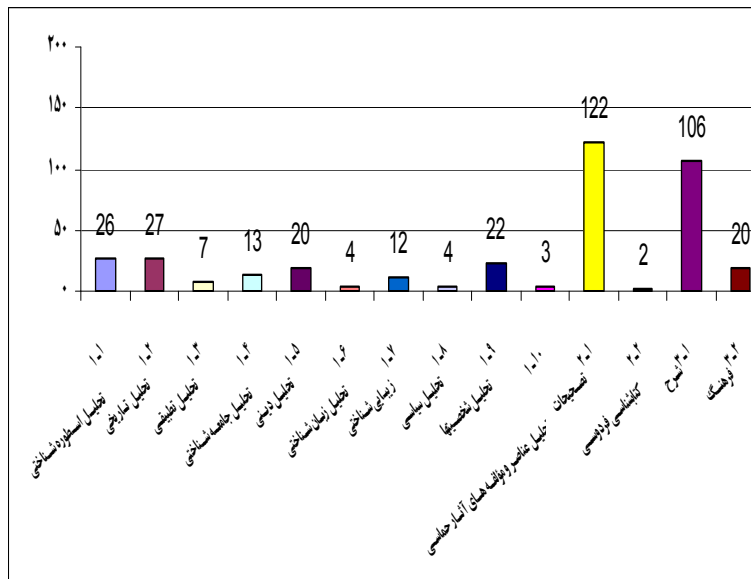
۶-۶- از دیگر پیامدهای منفی محدود شدن آثار فردوسی‌شناسی در دهه‌های گذشته، عدم توجه به نیازهای امروز دانش‌پژوهان است.

۶-۷- یکسونگری دلیل اصلی مخدوش شدن بسیاری از آثار است؛ برای نمونه در رویکرد تحلیل دینی، اکثر نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر اندیشه‌های فردوسی دینی است از این رو در پی مطابقت اشعار آن حکیم بزرگوار با احادیث و قرآن برآمده‌اند.

۶-۸- نویسندگان نسبت به رعایت موازین علمی، ارائه اطلاعات روشمند و بدون نتیجه‌گیری‌های متناقض بی‌اعتنا هستند.

۶-۹- فعالیت‌های علمی بسیاری در زمینه شاهنامه و فردوسی در ایران جریان دارد؛ آثاری که در آنها روش نویسندگان، اغلب دانشی است و صرفاً اطلاعاتی به خواننده داده می‌شود، اما تحلیل و بینش نویسندگان را انعکاس نمی‌دهند، درحالی که امروزه با توجه به نیاز دانشجویان و پژوهشگران، صرف ارائه اطلاعات، نمی‌تواند مفید باشد، بلکه تجزیه و تحلیل و نحوه کاربرد اطلاعات مهم است.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده می‌توان پژوهش‌های فردوسی‌شناسی را در سه بخش توسعه‌ای، بنیادی و کاربردی، به صورت نمودارهای زیر نشان داد.





- آبادی باویل، محمد. (۱۳۸۳). آیین‌ها در شاهنامه، تبریز: انتشارات ستوده.
- ابوالحسنی (منذر)، علی. (۱۳۷۸). بوسه بر خاک پی حیدر(ع)، تهران: عبرت.
- البرز، پرویز. (۱۳۶۹). شکوه شاهنامه در آیین تریبیت و اخلاق پهلوانان (با فهرستی از صفات نقش آفرینان دوره پهلوانی)، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، جلد ۱، تهران: کیهان.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۷). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، جلد ۱ و ۲، تهران: نشر دوران.
- حائری، جمال‌الدین. (۱۳۸۳). زنان شاهنامه پژوهش و نقالی، از آذر گشسب تا همای، تهران: پیوند نو.
- رستنده، مجید. (۱۳۷۸). قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی، همدان: مفتون همدانی.
- رهادوست، بهار. (۱۳۸۳). «روش‌شناسی پژوهش کیفی»، مجله زیبا شناخت، شماره ۴.
- سامانی، جوکار، بهرام و سیامک. (۱۳۸۴). مقایسه تحقیقات کیفی و تحقیقات کمی، شیراز: ملک سلیمان.
- ستوده، غلامرضا. (۱۳۸۳). مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تهران: سازمان تدوین و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شفیعی، محمود. (۱۳۷۷). شاهنامه و دستور زبان فارسی بر پایه شاهنامه فردوسی و سنجش با سخن گویندگان و نویسندگان پیشین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صادقی، مریم. (۱۳۹۴). روش تحقیق به زبان ساده، تهران: نگاه معاصر.
- صنیع، مهین بانو. (۱۳۸۶). گلرخان سیه چشم (داستان شاه زنان شاهنامه فردوسی)، تهران: نوبه.
- عطایی فرد، امید. (۱۳۸۴). ایران بزرگ (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی)، تهران: اطلاعات.
- عظیمی، سید عبدالعلی. (۱۳۷۹). شخصیت‌ها در شاهنامه، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مطبوعاتی فام آوند.
- قربانی پور، زهرا. (۱۳۹۴). کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه، تهران: سوره مهر.
- کریمان، حسین. (۱۳۷۵). پژوهشی در شاهنامه (در باب ری، پهنه تهران، البرز، مازندران طبرستان، مازندران مغرب و مازندران مشرق در شاهنامه)، به کوشش علی میرانصاری، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- محمدزاده صدیق، حسین. (۱۳۷۸). شاهنامه (بر اساس چاپ مسکو)، تهران: فاخته.